

# موج برون‌سپاری مشاغل

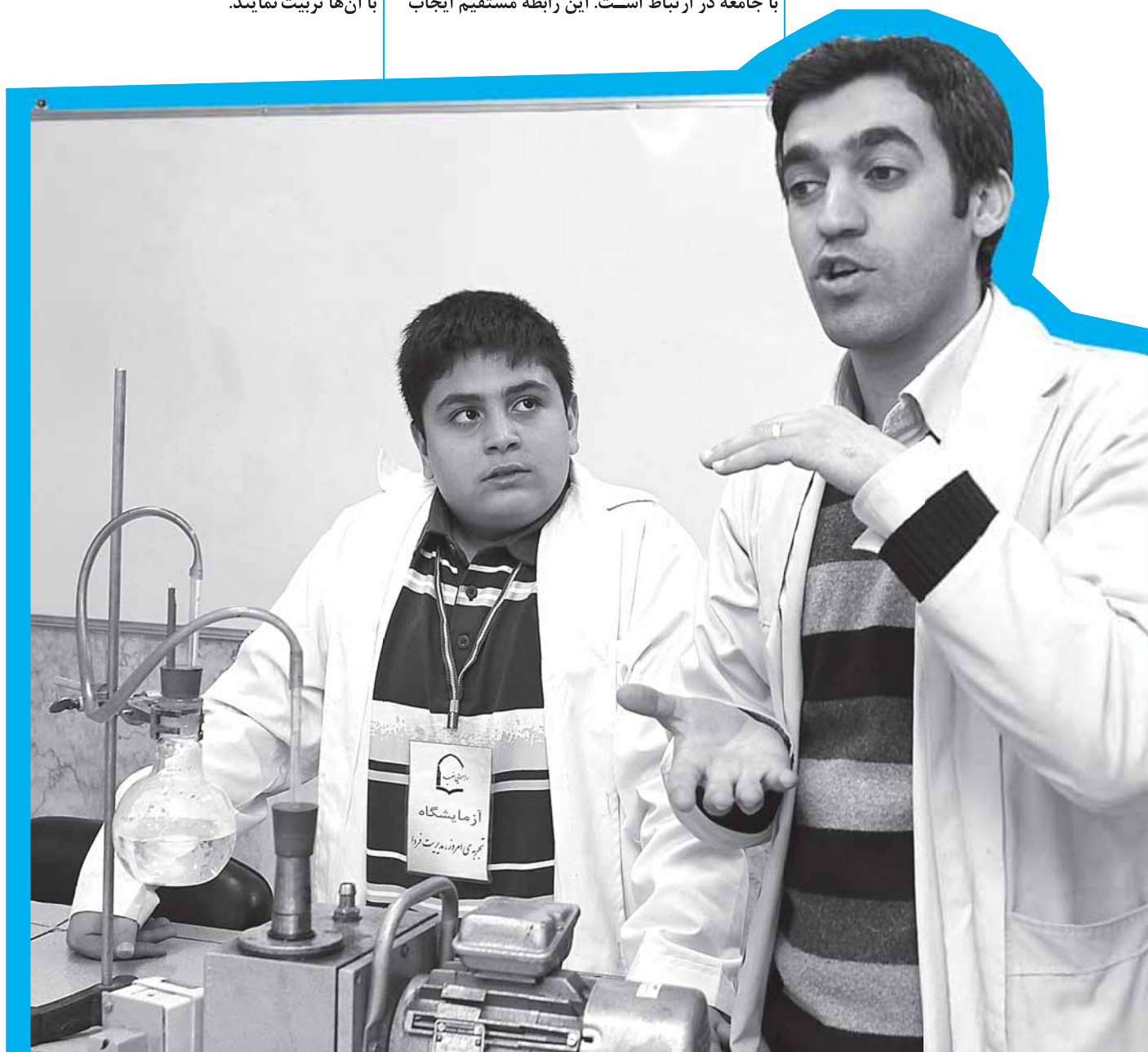
## چکیده

می‌کند آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در جامعه، نسبت به رویکردها و الگوهای اشتغال و تولید، حساس شود و خود را نسبت به آن پاسخ‌گو بداند. رویکردهای اشتغال و تولید در قرن بیست‌ویکم به سمت برون‌سپاری و کارگر دانشی سوق یافته است. بنابراین ضرورت دارد آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای با چنین رویکردی سازگار گردد و هنرجویانی متناسب با آن‌ها تربیت نمایند.

ارتباط میان «آموزش» و «جامعه» از موضوعاتی است که ذهن بسیاری از متخصصان آموزش‌وپرورش را به خود مشغول ساخته است. این موضوع، با توجه به ساختار و رسالت آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای، بیشتر از آموزش‌های نظری احساس می‌شود. آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای از طریق تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش‌های مختلف اجتماعی، به‌صورتی مستقیم با جامعه در ارتباط است. این رابطه مستقیم ایجاب

## کلیدواژه‌ها:

برون‌سپاری، آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای، کارگردانشی



# لجایگاه آموزش های فنی و حرفه ای

## مقدمه

رسالت آموزش های فنی و حرفه ای در واقع ارتقای دانش افراد، ایجاد مهارت های لازم، به فعالیت در آوردن استعداد های نهفته آن ها، آماده کردن افراد برای احراز شغل، حرفه و کسب و کار و افزایش کارایی، توانایی و مهارت آن ها برای انجام کارهاست (کلیات نظام جدید آموزش متوسطه، ۱۳۷۳)، لذا ارتباطی تنگاتنگ با جامعه و رویکردهای اشتغال دارد.

تأکید بر نقش و رسالت آموزش های فنی و حرفه ای در تحقق اهداف فرهنگی صلح، توسعه پایدار مبتنی بر محیط زیست سالم و همبستگی اجتماعی و شهروندی اجتماعی و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش های مختلف جامعه در عصر حاضر، متناسب با چالش های پیش روی آن هاست (مانند انفجار دانش، اطلاعات و انقلاب فناوری اطلاعاتی و... دومین کنگره جهانی آموزش فنی و حرفه ای، ۱۹۹۹). همچنین کمک به کاهش فقر، افزایش امنیت غذایی و ارتقای انسجام اجتماعی، ارتقای مهارت و توانایی و ظرفیت های فنی و بین فردی افراد، بهبود ارتباط بین آموزش و دنیای کار (یونسکو، ۲۰۱۲)، تسهیل رفاه شغلی افراد (انجمن استرالیایی خدمات اجتماعی، ۲۰۰۷) و کمک به رشد حرفه ای برای آینده از طریق کمک به افراد در پیدا کردن شغل، کمک به رقابتی شدن مشاغل و کمک به موفقیت جوامع از طریق مهیا کردن آموزش های با کیفیت بالا و ایجاد فرصت های یادگیری برای نیروی کار (هنری، ۲۰۰۴) است. این ها از ارتباط تنگاتنگ آموزش های فنی و حرفه ای با جامعه خبر می دهند و این آموزش ها از مهم ترین مؤلفه های رشد اجتماعی و توسعه پایدار قلمداد می شوند.

اگر چه ارتباط نزدیک آموزش های فنی و حرفه ای و جامعه هم از نظر عقلی و هم از نظر نقلی پذیرفته شده است، اما هر آموزشی به خودی خود نمی تواند نشان دهنده واقعیت این ارتباط باشد.

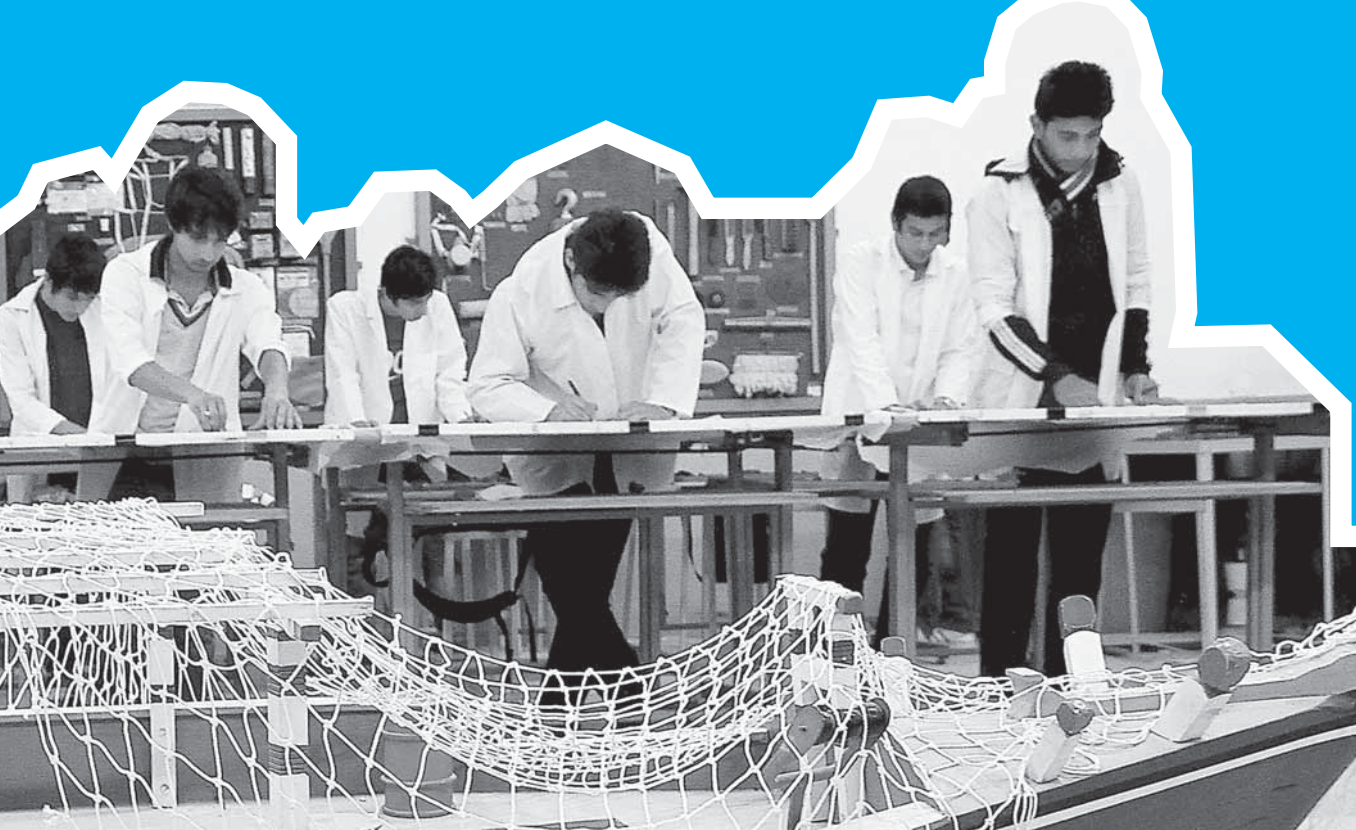
به سخنی دقیق تر، ارتباط تنگاتنگ آموزش های فنی و حرفه ای و جامعه شامل حال تمامی آموزش های فنی و حرفه ای نمی شود، بلکه آموزش هایی می توانند

با جامعه مرتبط باشند که اولاً، مبتنی بر نیازهای اساسی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تولیدی، فناوری و اشتغال در جامعه باشند. ثانیاً، به تغییرات و نوآوری در ابعاد مختلف حساس باشند و به سرعت خود را با آن ها همخوان نمایند. ثالثاً مبتنی بر آموزش محیطی باشند. رابعاً، از فرایند برنامه ریزی درسی و ارزشیابی مشارکتی استفاده نمایند و خامساً، از همه مهم تر، نیازهای اجتماعی را برآورده سازند. بنابراین صرفاً با برگزاری هر نوع آموزش فنی و حرفه ای نمی توان همبستگی و ارتباط تنگاتنگ با جامعه را انتظار داشت.

با توجه به مقدمه فوق، سؤال این است که رویکرد اشتغال در قرن بیست و یکم چیست؟ و آموزش های فنی و حرفه ای در این رویکرد چه جایگاهی دارد؟ قرن بیست و یکم ویژگی هایی متفاوت از اعصار گذشته دارد. ویژگی هایی مانند جهانی شدن، تغییرات سریع و گسترده در فناوری، سازمان کار، سیاست های جدید توسعه، مانند انتقال به اقتصاد کم کربن و بحران مالی بین المللی فعلی و رکود اقتصادی متعاقب آن (سازمان بین المللی کار، ۲۰۱۰)؛ ویژگی هایی که سبب شکل گیری ساختار جدیدی از استخدام و اشتغال به صورت استخدام پاره وقت و اتفاقی، برون سپاری کارها توسط شرکت ها، افزایش آمار خوداشتغالی و کاهش آمار استخدام در مشاغل عمومی شده است (هریس و سایمونز، ۱۹۹۹) و ساختاری که برون سپاری مهم ترین نوع آن را تشکیل می دهد.

برون سپاری عبارت است از انعقاد قرارداد انجام دادن کار داخلی با یک سازمان شخص ثالث. امری که به جابه جایی شغل و وظایف از درون یک شرکت به یک شرکت عرضه کننده کالا، بدون توجه به محل اقامت آن، اشاره می نماید. برون سپاری در اقتصاد مدرن شیوع پیدا کرده و در ایالات متحده در قرن بیست و یکم همگانی شده است (اداره کار ایالت

رویکردهای اشتغال  
و تولید در قرن  
بیست و یکم به  
سمت برون سپاری  
و کارگر دانشی  
سوق یافته است



**جامعه‌دانش‌بنیان  
به نیروی کار  
دانشی نیاز دارد.  
نیرویی که اغلب،  
به‌عنوان عضوی  
از گروه، از تفکر  
منطقی - استقرایی  
برای تشخیص  
مشکلات بهره  
می‌برد، پژوهش  
می‌کند، دانش را  
به کار می‌گیرد و  
برای حل مشکلات،  
راه‌حل‌ها را ارائه،  
طراحی و اجرا  
می‌کند**

نیویورک و توسعه ایالت امپایر<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰).

برون‌سپاری دلایل متعددی دارد. از مهم‌ترین این دلایل می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: اجتناب از مقررات سنگین، مالیات‌های بالا، هزینه‌های بالای انرژی و هزینه‌های غیرمنطقی مرتبط با منافع تعریف شده در قرارداد کار اتحادیه و مالیات برای منافع اجباری دولت، افزایش رشد ناخالص شرکت در اثر اقدام به برون‌سپاری، افزایش سود کوتاه‌مدت به دلیل کاهش هزینه‌های کوتاه‌مدت، کاهش هزینه‌های کارگری، کاهش هزینه‌های غیرمنتظره برای آموزش کارگران، هزینه‌های پایین‌تر نظارتی و غیر آن‌ها (وایدنباؤم<sup>۸</sup>، ۲۰۰۴، هیرا و هیرا<sup>۹</sup>، ۲۰۰۸، باچپولز<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۴). بنابراین آینده اشتغال را باید در برون‌سپاری جست‌وجو نمود.

همچنین بررسی روند توسعه نشان می‌دهد که جامعه فردا جامعه‌ای دانش‌بنیان است. مسلماً جامعه دانش‌بنیان به نیروی کار دانشی<sup>۱۱</sup> نیاز دارد. نیرویی که اغلب، به‌عنوان عضوی از گروه، از تفکر منطقی - استقرایی برای تشخیص مشکلات بهره می‌برد، پژوهش می‌کند، دانش را به کار می‌گیرد و برای حل مشکلات، راه‌حل‌ها را ارائه، طراحی و اجرا می‌کند (مکلین و لای<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۱).

بنابراین بررسی روند اشتغال نشان می‌دهد که بسیاری از مشاغل در قرن بیست‌ویکم از طریق برون‌سپاری به کارگران دانشی واگذار خواهد شد. برون‌سپاری به‌عنوان تحولی بنیادین در ساختار سازمان‌های جهان فردا (پیتر دراگر<sup>۱۳</sup>، ۱۹۹۳) نیز به نیروی انسانی‌ای نیاز دارد که از مهارت‌های مختلفی

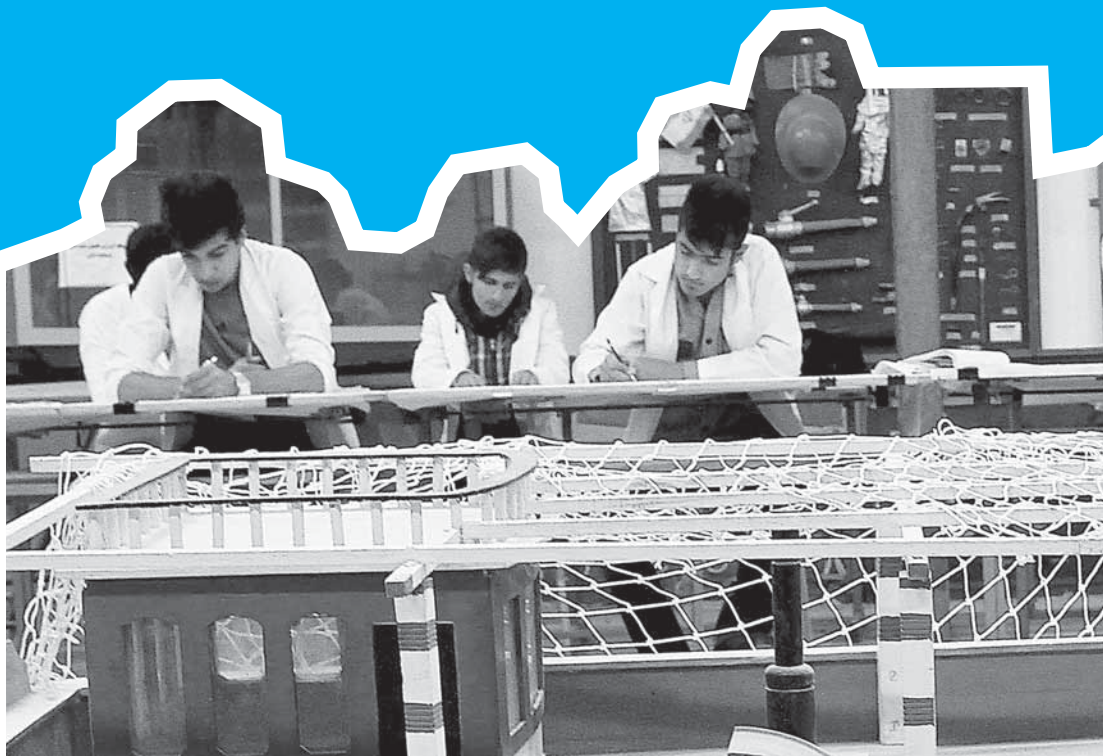
مانند توانایی تفکر منطقی، برنامه‌ریزی دقیق، پیش‌بینی مشکلات و نوآوری و خلاقیت برخوردار باشد، تا بتواند ظرفیت‌های لازم و مهارت مورد نیاز برای تبدیل شدن به نیروی کار مولد را توسعه دهد و به‌روز رسانی کند (سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۰۸، ب). بنابراین آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای باید نسبت به این رویکرد حساس باشند و بتوانند نیروی انسانی مورد نیاز آن را تربیت نمایند.

سازگاری آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای و ایفای نقش سازنده آن در جامعه قرن بیست‌ویکم استلزاماتی دارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

● **اتخاذ رویکرد برنامه‌ریزی درسی منطقه‌ای، محیطی و مشارکتی و پرهیز از رویکرد بالا به پایین و متمرکز برنامه‌ریزی درسی این آموزش‌ها:** پاسخ‌گویی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای به نیازهای جامعه زمانی امکان‌پذیر می‌شود که از برنامه‌ریزی درسی بالا به پایین، متمرکز و تجویزی فراتر برود و برنامه‌ریزی درسی آن‌ها به مناطق آموزشی و به سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران و مجریان محلی واگذار شود.

البته این به معنی برنامه‌ریزی درسی مدرسه‌محور نیست. زیرا رویکرد برنامه‌ریزی درسی مدرسه‌محور، با وجود داشتن محاسن بسیار، هنوز نتوانسته است شایستگی‌های خود را به اثبات برساند و در اثربخشی آن تردید وجود دارد. برنامه‌ریزی درسی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای باید با مشارکت سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران مرکزی و همچنین سیاست‌گذاران،

**اتخاذ رویکردهای  
تولیدمحوری  
و تجاری سازی  
سبب خواهد شد  
که هنرستان های  
فنی و حرفه ای  
برای برون سپاری  
مشاغل و خدمات  
مورد نیاز شرکت ها  
و سازمان ها مورد  
توجه قرار گیرند**



بنابراین نیاز است تا نگاه به هنرستان های فنی و حرفه ای از مکانی آموزشی به مکانی تولیدی - تولیدی تغییر یابد و به مدیران هنرستان ها در زمینه فروش محصولات هنرجویان، هزینه درآمدهای حاصل از آن برای بهبود و ارتقای تجهیزات و امکانات هنرستان و غیر آن ها اختیار داده شود.

البته این امر نیازمند تدوین و تصویب مصوبات و دستورالعمل هایی درباره نحوه ارتباط و انعقاد قرارداد با سازمان ها و شرکت ها، نقش و سهم هنرآموزان و هنرجویان در تولید و درآمدهای آن، کیفیت محصولات و غیر آن ها است.

همچنین هنرستان های فنی و حرفه ای می توانند وارد چرخه تجاری سازی ایده ها و محصولات شوند. تجاری سازی عبارت است از فرایند تملک ایده ها، پروراندن و توسعه آن ها با دانش مکمل، ساخت و تولید کالاهای قابل فروش و فروش محصولات در بازار (ورکائوترن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴).

هنرستان های فنی و حرفه ای می توانند مسائل و مشکلات سازمان ها و شرکت ها را گردآوری کنند و با ترغیب هنرجویان خود به ارائه ایده ها و تولید محصولی عینی برای رفع مسائل و مشکلات، یا تولید انبوه محصول نوآورانه، وارد تجاری سازی ایده ها و اندیشه ها شوند و فضایی ایجاد نمایند که دانش آموزان و افراد خلاق خواهان حضور در آن باشند.

مسئلاً اتخاذ رویکردهای تولیدمحوری و تجاری سازی سبب خواهد شد که هنرستان های فنی و حرفه ای برای برون سپاری مشاغل و خدمات مورد نیاز شرکت ها و سازمان ها مورد توجه قرار گیرند.

تصمیم گیران و مجریان محلی انجام شود تا از تغییر و توسعه آموزش های فنی و حرفه ای همخوانی و ضرب آهنگ موزون ایجاد شود.

**● تلفیق آموزش های فنی و حرفه ای بلندمدت و مهارت آموزی های کوتاه مدت: همان طور که ذکر**

شد، کارگر دانشی فردی دارای توانایی ها و مهارت های بلندمدت، مانند مهارت تفکر، حل مسئله و خلاقیت و همچنین مهارت هایی خاص در زمینه ای معین است. بنابراین در آموزش وی، هم باید از آموزش های بلندمدت و هم از آموزش های کوتاه مدت استفاده شود. به سختی دقیق تر، مهارت های تفکر، حل مسئله، خلاقیت، کاربرد دانش و پژوهشگری نیازمند آموزش هایی بلندمدت است. اما یادگیری مهارتی خاص می تواند بنا بر شرایط و مقتضیات زمانی در کوتاه مدت انجام شود. این ویژگی ایجاب می کند که بین سازمان فنی و حرفه ای کشور و دفتر برنامه ریزی و تألیف فنی و حرفه ای وزارت آموزش و پرورش ارتباط نزدیک تری حاکم شود.

**● بهره گیری از رویکرد تولیدمحوری و تجاری سازی در آموزش های فنی و حرفه ای:**

هنرجویان فنی و حرفه ای، به ویژه در نظام آموزش رسمی کشور، از نظر رشد شناختی، اجتماعی و اخلاقی در مراحل بالای رشدی قرار دارند و می توانند همانند یک نیروی انسانی مولد باشند. تولیدات آن ها نیز با اعمال استانداردهای لازم و دقت نظر بیشتر قابل فروش خواهد بود.

**\*پی نوشت ها**

1. UNESCO
2. the Australian Council of Social Service
3. Henry, John
4. International Labour Office (ILO)
5. Harris and Simons
6. Outsourcing
7. New York State Department of Labor and Empire State Development
8. Weidenbaum
9. Hira and Hira
10. Buchholz
11. knowledge worker
12. Maclean, Rupert and Lai, Ada
13. Peter Drucker
14. Vercauteren, A

**\*منابع**

- کلیات نظام جدید آموزش و پرورش (۱۳۷۳)، تهران: وزارت آموزش و پرورش، دفتر آموزش عمومی
- دومین کنگره جهانی آموزش فنی و حرفه ای، سئول (۱۹۹۹)، آموزش های فنی و حرفه ای در قرن بیست و یکم، ترجمه عبدالحسین نفیسی، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت فهرست منابع لاتین در دفتر مجله موجود است